



یک رأی یک تجربه: ترخیص زودهنگام از بیمارستان جزء علت تامه فوت است یا تسریع در عوارض ضربه مغزی

حقوق :: نشریه قضاوت :: آذر و دی ۱۳۹۰ - شماره ۷۳

صفحات : از ۱۴ تا ۱۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/888571>

تاریخ داندود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- پیش بینی گرایش به مصرف مواد بر اساس نشانه های نقص توجه / بیش فعالی در بزرگسالان
- فلسفی: شخصیت آثار و دیدگاه های الوین پلانینگا
- بررسی تشکیک در مراتب و مظاهر از نگاه علامه طباطبایی
- جایگاه و مدت استقرار جنین در رحم از دیدگاه قرآن، حدیث، و علم جنین شناسی
- قیومیت و شخصیت زن
- گستره حجاب در قرآن
- اثربخشی معنویت درمانی بر سلامت روان زنان مطلقه
- تاثیر درمان شناختی رفتاری بر ادراک خود کودکان با اختلال کاستی توجه بیش فعالی
- بررسی تفاوت دیه زن و مرد در قانون مجازات اسلامی و مبانی فقهی آن
- معاونت در جرم
- حقیقت ادراک و مراحل آن در فلسفه ملا صدرا
- علل و عوامل انحرافات جنسی از دیدگاه قرآن و روایات

عناوین مشابه

- یک رای یک تجربه: استدلال و استناد دادگاه تجدید نظر در رد تعدی مستأجر و نقض رأی بدوی
- یک رای یک تجربه: اعتراض ثالث
- یک رای، یک تجربه: حکم غیر قابل اجرا (نقض در نقض)
- بررسی تأثیر خطاهای تکمیل گواهی فوت بر کدگذاری علت زمینه ای مرگ در بیمارستان شهید محمدی بندرعباس
- یک رای یک تجربه
- بررسی اثرات و عوارض تحریک جریان مستقیم از روی جمجمه (tDCS) بر روند یادگیری حرکتی بیماران مبتلا به سکته‌ی مغزی یک طرفه مزمن
- یک رای، یک تجربه: پرونده هموفیلی ها
- یک رای، یک تجربه: نقض رأی قطعی از سوی شعبه تشخیص
- یک رای، یک تجربه: شرکت های بیمه و حوادث رانندگی
- یک رای، یک تجربه: ۱۶ سال تا پایان . . .

ترخیص زود هنگام از بیمارستان جزء علت تامه فوت است یا تسریع در عوارض ضربه مغزی؟

پرونده کلاسه: ... شعبه ... دادگاه عمومی (جزایی) دادگستری ... دادنامه شماره ...

شاکیان: ۱- «ل - ش» ۲- «م - ش» ۳- «م - ش» ۴- «گ - ش» ۵- «ز - ش» ۶- «الف - ش» ۷- «ح - ش» ۸- «ر - ش» ۹- «غ - ش» همگی به نشانی ...

متهمان: ۱- «م - گ» فرزند «پ» با وکالت آقای «م - ن» به نشانی ... ۲- آقای «ع - گ» فرزند «پ» به نشانی ...

اتهام: قتل عمدی مسلمان

مختصری از موقوع و جریان رسیدگی

۱- به حکایت محتویات پرونده در ساعت ۱۷/۳۰ عصر روز یازدهم اسفندماه سال هزار و سیصد و هفتاد و چهار، در شهرستان ... درگیری فیزیکی به دلیل اختلافات فامیلی فی مابین خانواده‌های «گ» و «ش» رخ داده که طی آن فردی ۵۲ ساله به نام «ق - ش» فرزند «ی» در اثر ضربات وارده به سر مجروح، پس از انتقال به بیمارستان شهید رجایی ... به بیمارستان پاسارگاد تهران اعزام و بعد از بستری و انجام عملیات درمانی در تاریخ ۷۴/۱۲/۲۲ مرخص و سپس مجدداً در تاریخ ۷۵/۱/۳ با شکایت از تالم تورم ساق پای راست به بیمارستان اخیرالذکر مراجعه و با دو روز بستری در تاریخ ۷۵/۱/۵ با رضایت شخصی برادران خود به نام‌های «ع» و «م» مرخص گردیده، نهایتاً در تاریخ ۷۵/۱/۷ به علت به هم خوردن وضعیت مزاجی به بیمارستان شهید رجایی ... منتقل و فوت نموده است. اولیای دم مقتول به اسامی ۱- «الف» ۲- «م» ۳- «غ» ۴- «ز» ۵- «ر» ۶- «م» ۷- «ح» ۸- «ل» جملگی «ش» فرزندان «ق» و ۹- «گ - ش» همسر مشارالیه، با تکیه بر شهادت شهود، اظهارات مقتول در زمان حیات، نظریات پزشکی قانونی و سایر دلایل و امارات، «م - گ» فرزند «پ» را قاتل عماد مورث خویش معرفی و تقاضای قصاص وی را نموده‌اند.

۲- شعبه ... دادگاه عمومی ... پس از رسیدگی‌های متعدد طی دادنامه شماره ... مورخه ۷۶/۴/۱ بر اساس شهادت شهود و اینکه آلت به کار رفته به اعتبار حساسیت موضع، قتاله و نوعا کشنده است، با استناد به بند ب ماده ۲۰۶ و مواد ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۳۱ و ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی، رای وحدت رویه شماره ۴۶۶۸ مورخه ۱۳۳۶/۹/۲۷ و آیه شریفه ۱۷۹ سوره مبارکه بقره، حکم بر قصاص نفس آقای «م - گ» فرزند «پ» صادر نموده است (صفحات ۲۲۶ و ۲۲۹ پرونده). پس از صدور دادنامه مزبور یکی از شهود به نام «ر - ش» که برادر مقتول و دایی و پدر خانم متهم «م - گ» است، بر اساس سند رسمی شماره ۸۷۷۲۷ مورخ ۷۶/۵/۲۶ از شهادت خود (مبنی بر اینکه با چشمان خود دیده که «م - گ» با بیل دو ضربه به سر مرحوم «ق - ش» زد) عدول نموده (صفحه ۲۴۰) فلذا شعبه ... دیوان عالی کشور، در رای شماره ... مورخ ۷۶/۹/۲۹ با عنایت به تکذیب‌نامه رسمی «ر - ش» و عدم اقرار «م - گ» و نظر به اینکه نزاع دسته‌جمعی بوده و دلیل مثبتی علیه متهم وجود ندارد، رای شماره ... صادره از شعبه ... را نقض و پرونده را جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض دادگاه صادرکننده رای منقوض ارجاع نموده است. (صفحات ۲۷۲ و ۲۷۳)

۳- شعبه ... دادگاه عمومی ... موضوع را از مصادیق لوث دانسته و پس از اجرای قسامه توسط ۲۵ نفر از بستگان ذکور نسبی از طرف مدعی، تحت دادنامه شماره ... مورخ ۷۸/۵/۹ مجدداً حکم بر قصاص متهم «م - گ» صادر و اعلام نموده است (صفحات ۵۵۷ الی ۵۶۰) که به موجب رای شماره ... ۷۸/۸/۲۲ شعبه ... دیوان عالی کشور به شرح صفحات ۵۸۷ و ۵۸۸ پرونده ابرام گردیده است. در ادامه وکیل محترم متهم به شرح صفحات ۵۹۴ و ۵۹۵ با این استدلال که: «... با در نظر گرفتن فتوای رهبر معظم انقلاب که به

صورت بخشنامه از سوی ریاست محترم قضایی ابلاغ گردیده، اساساً به لحاظ اینکه تعداد ۵۰ نفر از اقربای نسبی در دادگاه حاضر نشده‌اند، قسامه نیز به عنوان دلیل منتفی است» تقاضای اعاده دادرسی نموده، شعبه ... دیوان عالی کشور نیز با توجه به ارائه دلیل جدید (فتوای رهبر معظم انقلاب و بخشنامه ۷۷/۱۱/۲۹ ریاست قوه قضائیه) با تقاضای اعاده دادرسی موافقت و ضمن نقض دادنامه ... طی دادنامه شماره ... مورخ ۷۸/۱۲/۲ پرونده را جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض ارجاع نموده است.

۴- پس از ارجاع پرونده به شعبه ... دادگاه عمومی ... شعبه مزبور با لحاظ دادنامه شعبه ... دیوان، مورد را از موارد لوث تشخیص و ضمن رعایت فتوای مقام عظمای ولایت پس از جری قسامه توسط ۵۰ نفر از طرف مدعی، طی دادنامه شماره ... مورخ ۸۰/۶/۱۴ مضبوط در صفحات ۸۸۰ تا ۸۸۳ پرونده حکم بر قصاص نفس آقای «م - گ» صادر نموده که طبق دادنامه ... ۸۰/۹/۲۲ شعبه ... دیوان عالی کشور ابرام گردیده است. (صفحات ۹۰۴ و ۹۰۵). پس از تایید رای اخیرالذکر و تقاضای اجرای قصاص از ناحیه اولیای دم، آقای «ق - گ» معروف به «ک» که برادر آقای «م - گ» می‌باشد، ضمن ارائه اقرارنامه رسمی شماره ... ۸۰/۱۱/۱ خود را قاتل مرحوم «ق» و آقای «م» را بی‌گناه معرفی می‌نماید. (صفحه ۹۴۲). بنابراین تقاضای اعاده دادرسی، در رای شماره ... مورخ ۸۰/۱۱/۱۱ شعبه ... دیوان عالی کشور مورد پذیرش قرار گرفته، بار دیگر پرونده جهت رسیدگی مجدد به محاکم عمومی ... اعاده شده است.

۵- شعبه ... دادگاه عمومی ... نیز در دادنامه ... ۸۱/۳/۱۱ اقرار آقای «ق - گ» را با عنایت به تعارض آن با محتویات پرونده و اظهارات سابق وی مقرون به واقع ندانسته و حکم بر برائت آقای

«ق - گ» از اتهام قتل عمدی مرحوم «ق - ش» صادر و کماکان «م - گ» را قاتل عامد دانسته است. (صفحه ۹۶۱) در ادامه شعبه ... دیوان عالی کشور بر اساس تبصره ۴ ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ مبنی بر تذکر اشتباه به قاضی صادرکننده رای، علی‌رغم اصرار و اعتقاد رئیس شعبه ... دادگاه عمومی ... بر صحت مفاد دادنامه ... به شرح صفحه ۹۶۳، طی دادنامه ... مورخ ۸۱/۸/۳۰، رای شماره ... را در قسمت حکم بر قصاص آقای «م - گ» مخدوش دانسته و نقض نموده است.

۶- رسیدگی مجدد به شعبه ... دادگاه عمومی ... محول شده و این شعبه هم تحت دادنامه ... - ۸۲/۷/۱۶ با تکیه بر دلایل و سوابق پرونده حکم بر برائت آقای «ق» و مجرمیت و قصاص آقای «م - گ» صادر نموده (صفحات ۱۲۱۳ و ۱۲۱۴) که در پی اعتراض آن، شعبه ... دیوان مطابق رای شماره ... مورخ ۸۳/۳/۲۴ محاکم بدوی را به تحقیق در خصوص میزان تاثیر اقدام برادران مقتول در مرخص نمودن مرحوم «ق - ش» از بیمارستان پاسارگاد توجه داده و با مطرح نمودن این سوال که «چنانچه مقتول مرخص نمی‌شد آیا اثر ضربه وارده به سر بهبود می‌یافت و احتمال زنده ماندن وی وجود داشت یا خیر؟» رای شماره ... را نقض و رسیدگی را مجدد به دادگاه صادرکننده حکم منقوض ارجاع و اعاده نموده است. (صفحه ۱۲۶۴)

۷- شعبه اول دادگاه عمومی ... در راستای تکمیل تحقیقات نسبت به انجام استعلامات متعدد علمی و پزشکی اقدام و با اصرار بر اعتقاد سابق خود، با تکیه و استناد به علم قاضی در حکم شماره ... - ۸۴/۹/۲۹ آقای «م - گ» را برای ششمین بار به قصاص نفس محکوم نموده (صفحات ۱۴۵۶ تا ۱۴۵۹) و دادنامه اخیرالذکر مطابق رای شماره ... مورخ ۸۵/۴/۱۱ شعبه ... دیوان عالی کشور با توجه به حصول علم برای قاضی دادگاه و اینکه اماراتی که مبنای علم قرار گرفته در حد متعارف است، ابرام شده است (صفحه ۱۰۵۶ تا ۱۰۵۹) و کیل محترم متهم نسبت به دادنامه ... در شعبه اول تشخیص به نحو فوق‌العاده تجدیدنظرخواهی به عمل آورده که شعبه اخیرالذکر تحت دادنامه شماره ... مورخ ۸۵/۷/۱۶ قرار رد درخواست تجدیدنظر صادر و اعلام نموده که رای صادره قطعی است. (صفحات ۱۵۲۷ تا ۱۵۲۹). بنابراین اولیای دم مرحوم «ق - ش» برای چندمین بار تقاضای استیذان و اجرای قصاص نموده‌اند.

۸- در پی تقاضای محکوم‌علیه «م - گ» از ریاست محترم قوه قضائیه در سفر ایشان به استان ...، معظم‌له پیشنهاد تجویز اعاده دادرسی نموده‌اند. اما شعبه ... دیوان عالی کشور در دادنامه

... مورخ ۸۶/۱۰/۲۶ با این مضمون که: «... دلیل و بینهای که برخلاف بین بودن آراء صادره با شرح ارائه نشده و به علت عدم انطباق درخواست با مقررات ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری، موردی برای پذیرش و تجویز اعاده دادرسی وجود ندارد...» درخواست پیش گفته را به شرح صفحات ۱۵۶۴ تا ۱۵۶۸ پرونده رد نموده است. به حکایت صفحات ۱۵۶۹ و ۱۵۷۰، آقایان «ن - س» و «خ» از مشاوران محترم رئیس وقت قوه قضائیه با ابقاء بر نظر خود در خصوص شبهه تاثیر مرخص کردن زود هنگام مقتول به میزان ۲۰ درصد در فوت وی، موضوع را معد تنفیذ اجرای قصاص و استیذان ندانسته، پرونده با پیشنهاد ایشان و موافقت رئیس قوه قضائیه جهت اعاده دادرسی به شعبه ... دیوان عالی کشور ارسال شده که شعبه اخیرالذکر با این استدلال که: «... شعبه ... تشخیص و ... دیوان عالی کشور رای ماهیتی صادر نکرده‌اند تا شعبه عادی دیوان مکلف به رسیدگی باشد و چون ریاست قوه قضائیه رای صادره را خلاف بین شرع تشخیص و اعاده دادرسی را تجویز فرمودند، اعلام اشتباه نسبت به رای ماهیتی ... - ۸۴/۹/۲۹ شعبه ... دادگاه ... است و اینکه رسیدگی دیوان شکلی است...» متعاقب صدور دادنامه ... - ۸۷/۸/۲۷ پرونده را به محاکم عمومی ... ارسال، نهایتاً پرونده پس از حل اختلاف در صلاحیت، جهت رسیدگی به این شعبه محول گردیده و با رسیدگی‌های متعدد و انجام تحقیقات و استعلامات لازمه به شرح زیر انشای رای می‌شود:

رای دادگاه

الف - در خصوص اتهام آقای «م - گ» فرزند «پ» متولد ... به شماره شناسنامه ... با وکالت تسخیری آقای «م - ن» دایر بر قتل عمدی مرحوم «ق - ش» فرزند «ی» موضوع شکایت اولیای دم به اسامی ۱- «الف» ۲- «م» ۳- «غ» ۴- «ز» ۵- «ر» ۶- «م» ۷- «ح» ۸- «ل» و ۹- «گ» جملگی «ش»، دادگاه با عنایت به محتویات پرونده، شکایت و تقاضای اولیای دم و با تکیه و استناد به علم قاضی بدین شرح که:

«اولا وقوع درگیری در تاریخ ۷۴/۱۲/۱۱ و مجروح شدن مرحوم «ق - ش» از ناحیه سر طی آن درگیری، بر هیچ‌کس حتی خود متهم پوشیده نیست؛ چه اینکه آقای «م - گ» بارها و به انحاء مختلف به بیان چگونگی و علل وقوع درگیری پرداخته است. به عنوان نمونه مشارالیه در لایحه مورخه ۷۸/۱۰/۴ خود مضبوط در صفحه ۷۰۱ پرونده نوشته است: «... در اثر وقوع قتلی که در یک نزاع دسته‌جمعی در سال ۷۴ اتفاق می‌افتد...»

ثانیا و توجهها به استدلالات زیر، حضور فعال و

درگیرانه آقای «م - گ» در درگیری ۷۴/۱۲/۱۱ محرز و مسلم است:

۱- اقرار صریح خود متهم در ابتدای تحقیقات:

آقای «م - گ» در تاریخ ۷۴/۱۲/۱۲ (مضبوط در صفحات ۱۲ و ۱۳ پرونده) در کلانتری اظهار داشته: «... من به اتفاق برادرانم می‌آمدیم منزل که یک مرتبه اینها با چند ماشین رسیدند و روبه‌روی منزل من پیاده شدند که چوب و بیل کشیدند و درگیر شدیم که می‌خواستند علی و محرم را بزنند که به سر حاجی «ق» اصابت کرد یعنی حاجی «ق» خودش را داد جلو نمی‌دادم مرا بزنند یا آنها نگذارند که مرا بزنند خورد سر ایشان ...» مشارالیه همچنین در جلسه ۷۴/۱۲/۱۳ دادگاه به شرح صفحه ۲۳ می‌گوید: «... آقای «ق - ش» و ... از ماشین پیاده شدند و چوب و بیل در دست داشتند به من حمله کردند من فرار کردم...» دفاعیات متهم به شرح جلسه دادرسی ۷۵/۱/۸ مضبوط در

مشاوران محترم رئیس وقت قوه قضائیه با ابقاء بر نظر خود

در خصوص شبهه تاثیر مرخص کردن زود هنگام مقتول به میزان ۲۰ درصد در فوت وی، موضوع را معد تنفیذ اجرای قصاص و استیذان ندانسته، پرونده با پیشنهاد ایشان و موافقت رئیس قوه قضائیه جهت اعاده دادرسی به شعبه ... دیوان عالی کشور ارسال شده که شعبه اخیرالذکر با این استدلال که: «... شعبه ... تشخیص و ... دیوان عالی کشور رای ماهیتی صادر نکرده‌اند تا شعبه عادی دیوان مکلف به رسیدگی باشد

صفحات ۷۴ و ۷۵ نیز بدین شرح است: «... که «ق» و برادرانش مرا به منزلم بردند و هنگامی که به منزلم رسیدیم کلا با چوب و بیل از ماشین پیاده شدند و به من هجوم آوردند... چوب «م» به او [ق] خورد.» در لایحه متهم به شماره ... مورخ ۷۵/۳/۲۰ مضبوط در صفحه ۹۳ هم آمده است: «... که در همان لحظه به سر من ریخته و با بیل و چوب به من حمله‌ور شده که چوبی که «م - ش» به طرف بنده پرتاب نمود اشتباهها و به علت بی‌دقتی به سر دایی دیگر اینجانب به اسم «ق - ش» اثبات می‌نماید...»

۲- تناقض و تغییر پله به پله اظهارات و دفاعیات متهم:

آقای «م - گ» در جلسات دادگاه به تاریخ‌های

منطبق است:

با تدقیق در مفاد شهادت شهود تعرفه شده از طرف شاکیان درمی یابیم؛ اظهارات آقایان «ح - ب» فرزند «غ» به شرح صفحات ۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۷۳۹ و ۷۴۰، «ع» (ع - الف) ب فرزند «غ» در صفحات ۷، ۱۰۴، ۱۰۵ و ۷۴۶، «ع - الف» فرزند «الف» مضبوط در صفحات ۸، ۱۰۶، ۱۰۷ و ۷۳۸ و «د - ش» فرزند «ق» به شرح صفحات ۹، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۰۹ و ۱۶۱ و ۷۴۴ که جملگی از رویت ایراد دو ضربه بیل به سر مرحوم «ق» توسط «م - گ» خبر داده اند، حتی در جزئیات نیز منطبق است.

۴- تعداد ۵۰ نفر از بستگان ذکور نسبی از طرف مدعی ضمن حضور در دادگاه و اجرای قسامه (توجهها به مفاد بند ب ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی)، آقای «م - گ» را قاتل عمد مرحوم «ق - ش» معرفی کرده اند.

۵- تحقیقات اداره آگاهی ... به شرح صفحه ۱۹۳۲ با این مضمون که: «... در تحقیقات از مغازه داران و کسبه محل ... فقط شنیده اند که «م - گ»، مرحوم «ق - ش» را با بیل یا چوب به سرش زده که باعث مرگ وی شده است...» نیز ضارب بودن «م - گ» را تایید می نماید.

۶- اظهارات خانم «م - گ» فرزند «پ»:
خانم «م - گ» که خواهر متهم و عروس مرحوم «ق - ش» می باشد بنا به تقاضای متهم در جلسه ۸۹/۷/۱۵ به شرح ص ۱۹۸۱ حاضر و چنین اظهار نموده است: «... «ق - ش» به من گفت: «من اگر خوب شوم به «م» رضایت می دهم ولی حساب علی و رحمت را می رسم... منظورم این بود که «ق - ش» گفت: «ع» و «ر» باعث درگیری شده اند و علت مسائل و درگیری ها ایشان بوده اند.» از فحوای کلام ایشان معلوم می شود که مرحوم «ق»، «م - گ» را ضارب خویش می دانسته که عنوان داشته اگر خوب شوم به وی رضایت می دهم.

۷- وجود انگیزه و زمینه های درگیری:
محتویات پرونده نشان می دهد که آقای «م - گ» انگیزه لازم را برای درگیری و ضرب مرحوم «ق» و خانواده اش داشته است. زیرا: اولاً آقای «م - گ» در جلسه ۷۵/۱/۸ دادگاه مضبوط در صفحات ۷۴ و ۷۵ و همچنین صفحات ۱۲ و ۱۳ و ۲۸۱ الی ۲۸۴، از وجود کینه و عداوت فی مابین خود و دایی اش «ق» پرده برداشته و ضمن بیان مسائلی می گوید: «... فردا صبح ساعت ۱۰ برای عروسی رفته ام که حاج «ق» با من روبه رو شد و مرا فحاشی کرد...» به شرح صفحه ۶۹ نیز اشعار داشته است: «... الان چندین بار با هم درگیر شده ایم... شاکی بنده را رها نمی کند یکسره با من درگیر است.» مشارالیه همچنین در لایحه مورخ ۷۵/۳/۲۰ مضبوط در صفحه ۹۴ از قصد انتقام افرادی نسبت به خود سخن گفته است. ثانیاً آقای

باشد قبول دارم.» در این راستا و پس از تحقیقات گسترده و اولاً آقای «ع - الف» فرزند «ر» که اتفاقاً از طرف خود متهم تعرفه شده است در جلسه دادگاه حاضر و به شرح صفحه ۱۷۵۴ در پاسخ به این سوال دادگاه که «آیا «م - گ» را در دعوا دیدید؟» گفته است: «قطعاً دیدم و حتماً او در دعوا بود و یقین دارم که بود.» ثانیاً آقای «ن - م» فرزند «الف» در جلسه رسیدگی مورخ ۸۹/۷/۱۵ دادگاه مضبوط در صفحات ۱۹۸۷، ۱۹۸۸ و ۱۹۸۸ و در حضور متهم و وکیل او اشعار داشته: «... من «م - گ» را با چشم خودم در دعوا دیدم که با چشم خودم دیدم که آقای «م - گ» در دعوا بود و کتک کاری می کرد ... و یک ربع یا چند دقیقه پس از دعوا یک چاقو به «ح - ن» داد...» آقای «ح - ن» فرزند «ب» نیز به شرح صفحات ۱۷۵۱ و ۱۷۵۲ ضمن تایید مفاد شهادت آقای «م»، بر حضور «م - گ» در درگیری و درگیر بودن وی صحت گذاشته است.

ثالثاً «م - گ» در تاریخ ۷۴/۱۲/۱۱ با وارد کردن دو ضربه بیل به سر مرحوم «ق - ش» وی را مجروح نموده زیر:

۱- اظهارات خود مقتول در زمان حیات:
مرحوم «ق - ش» در تاریخ ۷۴/۱۲/۲۵ ضمن حضور در مرجع انتظامی، «م - گ» را ضارب خود معرفی و اظهار نموده است: «... در ساعت حدود ۱۶ بعد از ظهر از عروسی می آمدیم. در مسیر خیابان طالقانی در حرکت بودیم به اتفاق برادرانم. یک مرتبه دیدم «م - گ» دستش یک عدد بیل دسته بلند دارد و برادرم، رحمت او را مانع شده که با ما درگیر نشود. یکباره از دست وی خلاص و به طرف من حمله ور شد و یک ضربه به سر من وارد من از هوش رفته بنا به گفته سایر ضربه دوم را نیز وارد قصد کش [کشتن] داشته و فقط از دست مهدی شاکی هستم. برادرانش به بستگان و وابستگان من کتک کاری کردن ولی مرا «م» زده و از او شاکی هستم تقاضای مجازات قانونی دارم. فعلاً تا تاریخ ۷۵/۱/۱۹ تحت نظر پزشکی می باشم و هر ۴۸ ساعت یک بار باید به تهران برویم...»

۲- هشت نفر به اسامی ۱- «ی - ب» فرزند «ح» (صفحه ۸۴۶) ۲- «ح - ب» فرزند «غ» (صفحه ۸۴۶) ۳- «م - ب» فرزند «غ» (صفحه ۸۴۹) ۴- «م - ش» فرزند «ر» (صفحه ۸۵۲) ۵- «س - ش» فرزند «م» (صفحه ۸۵۳) ۶- «م - ب» فرزند «ع» (صفحه ۸۵۵) ۷- «غ - ب» فرزند «ع» (صفحه ۸۵۸) و ۸- «غ - ب» فرزند «ع» (صفحه ۸۵۹) در جریان قسامه شهادت داده و سوگند یاد کرده اند که از زبان مقتول شنیده اند که «م - گ» او را زده است.»

۳- مفاد شهادت هر یک از شهود در مسیر دادرسی واحد و نسبت به اظهارات سایر شهود

۷۴/۱۲/۱۳ (صفحه ۲۳) و ۷۵/۱/۸ (صفحه ۷۴) و همچنین در لایحه مورخ ۷۵/۳/۲۰ (صفحه ۹۳) به حضور خود در درگیری اقرار نموده اما در لایحه مضبوط در صفحه ۹۴ به تاریخ ۷۵/۳/۲۰ به بعد ضمن تغییر اظهارات خود، به طور کلی منکر حضور در درگیری شده است. نکته جالب توجه این است که مشارالیه حتی در لایحه مضبوط در صفحه ۹۴ نیز ابتدا نوشته بوده «... مجبور به درگیری...» اما سپس کلمه «درگیری» که هنوز هم کاملاً خواناست را خط زده و در یک اقدام هدفدار به جای آن نوشته است: «... مجبور به فرار از محل واقعه...» ایشان در جلسه دادرسی ۸۱/۱۲/۱۳ به شرح صفحه ۱۰۵۰ می گوید: «... من حدوداً یک ربع الی بیست دقیقه پس از درگیری به محل نزاع رفته وقتی رسیدم هیچ کس در محل نبود و متنازعین محل را ترک کرده بودند و من فقط مقداری خون در محل درگیری... دیدم و از خانواده ام شنیدم که ... درگیری شده است.» این در حالی است که نامبرده در جلسه ۸۸/۶/۸ دادگاه مضبوط در صفحه ۱۷۲۹ اشعار داشته: «... من زمانی سر صحنه رسیدم که مرحوم «ق» روی زمین افتاده بود...»

۳- شهادت شهود:

اشخاص متعددی از جمله «ح - ب» فرزند «غ» (به شرح صفحات ۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۷۳۹ و ۷۴۰)، «ع الف - ب» فرزند «غ» (مضبوط در صفحات ۷، ۱۰۴، ۱۰۵ و ۷۴۶)، «ع - ش» فرزند «ی» (صفحه ۶)، «ع - الف» فرزند «الف» (به شرح صفحات ۸، ۱۰۶، ۱۰۷ و ۷۳۸)، «د - ش» فرزند «ق» (صفحات ۹، ۱۰۸، ۱۰۹ و ۱۶۱ و ۷۴۴)، «م» و «ف - ش» فرزندان «ی» (صفحات ۸۳۷ الی ۸۷۲) به حضور «م - گ» در درگیری و ایراد دو ضربه بیل به سر مقتول توسط وی شهادت داده اند که هرچند همواره از ناحیه متهم و وکیل وی به لحاظ وجود رابطه فامیلی و حضور در منازعه جرح شده اند اما باید دانست که اولاً رابطه فامیلی شهود صرفاً محدود به مقتول و خانواده وی نبوده بلکه جملگی شهود با متهم نیز نسبت فامیلی دارند. ثانیاً در محیط های کوچکی همچون شهرستان ... به دلیل بومی بودن و آشنایی افراد خاصه در اینچنین مورد حساسی، کمتر می توان به شهادت و اطلاع افراد غیرفامیل و ناآشنا دست یافت. ثالثاً ارزش و اعتبار شهادت همواره بسته به نظر دادگاه است. نهایتاً حتی اگر نتوان به عنوان بیمه مستقل آن را لحاظ نمود، حداقل در افاده آن در حصول علم قاضی، تردیدی نیست.

۴- شهادت شهود ناآشنا و غیرفامیل:

متهم و وکلای وی همواره در اظهارات خود شهادت و شهودی همچون آقایان «ش» و «ب» را به دلیل شرکت در نزاع و وجود نسبت فامیلی جرح نموده و اشعار داشته اند: «... اگر شهود بیگانه

مشارالیه در اظهارات سابق خود به شرح صفحات ۱۴ و ۲۵ در سال ۱۳۷۴ کلا منکر حضور خود در درگیری شده و گفته است: «... من اصلا در دعوا نبودم و کسی رانزدهام... ما فرار کردیم و ندیدیم چه کسی چه کسی را زد؟...». اظهارات آقای «ح - س» فرزند «ح» به شرح صفحات ۱۷۵۶ و ۱۹۹۱ پرونده با این مضمون که: «... دقیقا یادم هست که دست «ع - گ» چوب بود و ابتدا بیل دستش نبود... من در دست «ع - گ» چوب دیدم...» و سایر شهود نیز موید بطلان ادعای آقای «ع - گ» در جلسه مورخ ۸۸/۶/۱۸ است. خاصه این که مشارالیه در پاسخ این سوال دادگاه که «چرا پس از ۱۵ سال اعتراف می‌کنید؟» اظهار داشته «... چون در تهران یک نفر گفته فقط یکی از کسانی که ضربه زده‌اند اقرار رسمی بنویسد کافی است و اگر گفته بود دو نفر لازم است من هم اقرار می‌نوشتم و من سواد نداشتم...».

۱۱- اظهارات و شهادت‌های اولیه آقای «ر - ش» مضبوط در صفحات ۴۴، ۱۰۲، ۱۶۷ و ۱۶۸ موافقت با واقعیت و محتویات پرونده (از جمله اظهارات خود مقتول به شرحی که گذشت) و عدول وی از شهادت برخلاف آن است.
 رابعاً: علت تامه فوت مرحوم «ق - ش»، ضربه سر و شکستگی جمجمه و خونریزی مغزی می‌باشد:

مطابق نظر مشاور محترم رئیس قوه قضائیه مضبوط در صفحه ۱۵۷۰ و توجها به دادنامه شماره ... - ۸۳ شعبه ... دیوان عالی کشور، آخرین ایراد اعلام شده بر حکم قصاص، میزان تاثیر مرخص نمودن مرحوم «ق - ش» توسط برادرانش در فوت وی می‌باشد. این دادگاه بنا به دلایل مشروحه زیر نظریه کمیسیون پزشکی قانونی به شماره ... - ۸۴/۲/۲۵ را با اوضاع و احوال محقق قضیه منطبق ندانسته و علت تامه فوت مرحوم «ق» را وفق نظریه پزشکی قانونی مضبوط در صفحه ۱۸۸، شکستگی جمجمه و خونریزی مغزی می‌داند:

۱- حسب شواهد موجود آقای «ق - ش» قبل از مجروح شدن در درگیری ۷۴/۱۲/۱۱، از سلامت جسمانی برخوردار بوده، ادعا یا قراینی برخلاف آن وجود ندارد. فلذا علت فوت وی را می‌بایست در ضربات درگیری مزبور و مسائل و عوارض ناشی از آن جست‌وجو نمود.

۲- در گواهی اولیه پزشکی قانونی (صفحه ۳۵) از شکستگی آهیانه‌ای راست و پیشانی چپ به علت اصابت جسم سخت لبه‌دار سخن به میان آمده و صراحتاً قید گردیده: «... و احتمال خطر جانی دارد.» نهایتاً سازمان پزشکی قانونی کشور طی نظریه شماره ... مورخ ۷۵/۳/۳ مضبوط در صفحه ۹۰، علت مرگ را ضربه به سر و شکستگی جمجمه و خونریزی مغزی اعلام نموده که در فاصله ۲۵ روزه بین ضربه و مرگ، خونریزی‌های

می‌خواستند «ع» و «م» را بزند که به سر حاجی «ق» اصابت کرد یعنی حاجی «ق» خودش را داد جلو نمی‌دانم مرا بزند یا آنها نگذارد که مرا بزنند خورد به سر ایشان...». همچنین در جلسه ۷۵/۱/۸ دادگاه مضبوط در صفحه ۷۴ و ۷۵ می‌گوید: «... و من به منزل مان رفتم پس از دو ساعت استراحت کردم و به ترمینال آمدم که قصد رفتن به قزوین داشتم که «ق - ش» و برادرانش مرا به منزل بردند و هنگامی که به منزل رسیدیم کلا با چوب و بیل از ماشین پیاده شدند و به من هجوم آوردند... و چوب «م» به او [ق] خورد...». در لایحه مورخ ۷۵/۳/۲۰ به شرح صفحه ۹۳ نیز نوشته است: «ر - ش» که دایمی بنده می‌باشد با اطلاع یافتن از محل حضور بنده ... آمده و با تحریک مرا به خانه برد که در همان لحظه به سر من ریخته و با چوب و بیل به بنده حمله‌ور شده که چوبی که «م - ش» به طرف بنده پرتاب کرد اشتباها و به علت بی‌دقتی به سر دایی «ق - ش» اثبات می‌نماید... سپس ایشان به یکباره اساسا مدعی حضور خود در درگیری شده و به شرح جلسه رسیدگی ۷۵/۴/۲۳ مضبوط در صفحات ۱۱۷ الی ۱۲۰ اظهار داشته: «... متوجه شدم «ق» و ... [با] چوب و چماق دست‌شان بود به طرف من حمله کردند من فرار کردم دیگر متوجه نشدم چه کسی «ق» را زده است. بعدا متوجه شدم چوب «م - ش» به سرش خورده است...». تناقضات گفتاری متهم کماکان ادامه یافته به نحوی که مشارالیه در جلسه ۷۷/۴/۲۳ (صفحه ۳۲۵) اشعار داشته: «... حسب اطلاع من زمانی که آن مرحوم قصد حمله کردن به مرا در ... و جلوی درب منزل من داشته شنیدم که افتاده و سرش به جدول خورده است...». آقای «م - گ» در جلسه دادرسی ۸۸/۶/۱۸ مضبوط در صفحه ۱۷۲۹ پرونده می‌گوید: «... من زمانی سر صحنه رسیدم که مرحوم «ق - ش» روی زمین افتاده بود...». و این در حالی است که در صفحه ۱۰۵۰ اظهار داشته: «... من حدودا یک ربع الی بیست دقیقه بعد از درگیری به محل نزاع رفتم وقتی رسیدم هیچ‌کس در محل نبود... و من فقط مقداری خون در محل درگیری ... دیدم و از خانواده‌ام شنیدم که بین برادرانم و «ق - ش» و پسرانش درگیری شده است...» بدیهی است هدف متهم از کتمان حقایق و تناقضات بیان شده، رهایی یافتن از مکافات عمل ناپهنجار خویش می‌باشد.

۱۰- هدف آقایان «ق و ع - گ» (برادران آقای «م») از اقرار به قتل، تطویل دادرسی و رهایی دادن برادرشان از مجازات است:
 آقای «ع - گ» فرزند «پ» در جلسه دادرسی مورخ ۸۸/۶/۱۸ مضبوط در صفحه ۱۷۳۱ اظهار داشته: «... بنده در روز درگیری با بیل یک ضربه به سر «ق - ش» زدم...» این در حالی است که

«ر - ش» در جلسه دادرسی ۷۵/۶/۲۲ (صفحات ۱۶۸ و ۱۶۷) اظهار داشته: «... ضمنا شب قبل از روز حادثه من منزل «م - گ» بودم به قرآن قسم می‌خورم که به ایشان گفتم دعوا نکن زن و بچه‌ات را ببر بینداز درون دریا و بعد دعوا کن. به من گفتم: «باید یکشم یا کشته شوم.» لازم به یادآوری است آقای «ر - ش» حسب اقرارنامه مورخ ۷۶/۵/۲۶، توجه‌ها به لایحه مورخ ۷۶/۴/۱۷ مضبوط در صفحه ۲۴۹، صرفا از شهادت خود مبنی بر اینکه «م» با دو ضربه بیل «ق» را کشته عدول نموده، فلذا سایر اظهارات وی کماکان معتبر است. ثالثا اوراق پرونده و شواهد موجود بیانگر آن است که آقای «م - گ» و برادرانش با آمادگی قبلی در مسیر کاروان «ق - ش» که در حال بازگشت از عروسی بوده، قرار گرفته و درگیری را شروع کرده‌اند زیرا: پاسگاه مرکزی ... به شرح صفحات دوم و پنجم پرونده این‌گونه گزارش داده که: «... به نظر می‌رسد «م» و برادرانش با قصد قبلی در مسیر کاروان عروسی ... قرار گرفته و وی را مضرور و متواری شده‌اند...» همچنین «ی - ش» فرزند «الف» در صفحه ۳۵ شهادت داده که: «... «ر» پسر «پ» [برادر «م - گ»] به من گفت: «م» به اتفاق برادرانم در جلوی کوچه ایستاده نظر دعوا دارند... از آن مسیر می‌روی آنها را هم رد کن بروند تا بلکه دعوا نشود...» آقای «ق - گ» نیز به شرح صفحه ۱۷۳۳ اقرار نموده، «... و ما با چوب‌ها و بیل‌هایی که آماده کرده بودیم دعوا کردیم...» مصدوم نشدن هیچ‌یک از برادران «گ» هم مبین آمادگی و قصد قبلی و تهاجم ایشان می‌باشد.

۸- در هیچ‌یک از اوراق و محتویات پرونده و مراحل رسیدگی، اظهار یا شهادتی مبنی بر اینکه ضارب مرحوم «ق»، شخصی غیر از «م - گ» بوده، وجود ندارد.

این مهم خاصه هنگامی تقویت می‌شود که حتی شهود تعرفه شده از ناحیه متهم نیز نه تنها اظهارات مبنی بر عدم حضور و عدم ایراد ضربه توسط «م - گ» ننموده‌اند بلکه یکی از آنها به شرح صفحه ۱۷۵۴ حضور «م - گ» در درگیری را عینا تایید نموده است. همچنین اداره آگاهی ... در نتیجه تحقیقات خود از اهالی و کسبه محل به شرح صفحه ۱۹۳۲ اعلام داشته: «... فقط شنیده‌اند که «م - گ» مرحوم «ق» را با بیل یا چوب بر سرش زده است...».

۹- وجود تناقض فراوان در اظهارات و دفاعیات متهم:

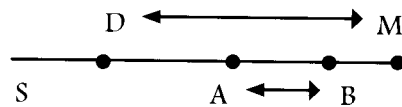
آقای «م - گ» در تاریخ ۷۴/۱۲/۱۲ یعنی یک روز پس از درگیری به شرح صفحات ۱۲ و ۱۳ در کلانتری اظهار داشته: «... نهار خوردیم آمدیم. من به اتفاق برادران آمدم منزل که یکباره اینها با چندماشین رسیدند و روبه‌روی منزل من پیاده شدند که چوب و بیل کشیدند و درگیر شدم که

دیده می‌شود که می‌تواند عامل مرگ باشد - اینگونه اظهار نظر نموده که: «... ۱- شکستگی استخوان جمجمه از ناحیه تمپور و پاریتال راست با امتداد به ناحیه پیشانی چپ و خونریزی نسج مغزی گزارش شده است. ۲- در گزارش سی‌تی اسکن و نظریه جراح مغز و اعصاب ادم و تورم گزارش نشده ولی در شرح کالبدگشایی مغز متورم گزارش شده است...». بنابراین و با توجه به نظریات کمیسیون پزشکی قانونی مضبوط در صفحات ۱۸۸ و ۱۴۱۷ و نظریه اخیر در خصوص تفسیر عکس‌های رادیوگرافی (که مربوط به اولین لحظات ورود ضربه و خونریزی مغزی بوده و به اندازه اولین روز درگیری دارای قدمت و اعتبار می‌باشد)، علت تامه فوت، ضربه مغزی و خونریزی مغزی ناشی از اصابت جسم سخت لبه‌دار می‌باشد و نظر به بلاوجه بودن دفاعیات و اعتراضات متهم و وکلای محترم ایشان، وقوع بزه قتل عمدی مرحوم «ق - ش» فرزند «ی» را از ناحیه متهم موصوف (آقای م - گ) محرز و مسلم دانسته و با توجه به آیات شریفه ۱۷۸: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتل...» و ۱۷۹: «و لکم فی القصاص حیوه یا اولی الالباب لعکم تتقون» سوره مبارکه بقره، مستندا به ماده ۲۰۵، بند ب ماده ۲۰۶ (با این توضیح که آلت به کار رفته به اعتبار حساسیت موضع قتاله و مالا فعل نوعا کشنده می‌باشد)، ماده ۲۰۷ و بند ۴ ماده ۲۳۱ جملگی از قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ حکم بر قصاص نفس آقای «م - گ» فرزند «پ» صادر و اعلام می‌نماید. اولیای دم می‌توانند با اذن ولی امر قاتل را با رعایت شرایط مذکور در قانون اخیرالذکر قصاص نمایند. ب - و اما در خصوص اتهام آقای «ع - گ» فرزند «پ» دایر بر قتل عمدی مرحوم «ق - ش»، دادگاه با عنایت به استدلالات پیش‌گفته و اینکه اولیای دم شکایتی از مشارالیه نداشته و محتویات و قراین و امارات حاکی از آن است که اقرار نامبرده مقرون به واقع نبوده و ظاهرا در جهت رهایی دادن متهم اصلی از مجازات می‌باشد، وقوع بزه معنونه از ناحیه وی را محرز ندانسته و با استناد به اصل سی و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ حکم بر برائت نامبرده (آقای «ع - گ» فرزند «پ») صادر و اعلام می‌نماید. آرای صادره حضوری و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی نزد محاکم محترم تجدیدنظر استان ... می‌باشد.

«الف - م»

دادرسی دادگاه عمومی بخش ... مامور در دادگستری ...

پزشک معالج مرخص گردیده و سپس مجدداً از ۷۵/۱/۳ تا ۷۵/۱/۵ به دلیل تورم پشت ساق پای راست در همان بیمارستان بستری و بعد از اعلام نظر پزشک معالج به شرح صفحه ۲۰۶۳ با این مضمون که: «... تورم ساق پای راست بهبود یافته است. بافت عضلانی ساق راست نرم حس می‌شود»، با رضایت شخصی برادران خود به شرح صفحه ۲۰۷۱ در تاریخ ۱۷۵/۵ مرخص شده است. فلذا رضایت شخصی بیان شده مربوط به ساق پای راست بوده و اساساً ارتباطی به خونریزی مغزی نداشته است. برای تشریح افزون‌تر گراف زیر ارائه می‌گردد:



با این توضیح که فاصله نقاط S تا D وضعیت سلامت مقتول قبل از درگیری را نشان می‌دهد. فاصله نقاط D تا M نشانگر وضعیت مرحوم از روز ایراد جراحت (یعنی ۷۴/۱۲/۱۱ در نقطه D) تا روز فوت (یعنی ۷۵/۱/۷ در نقطه M) می‌باشد. شروع احساس تالم به واسطه تورم پشت ساق پای راست یعنی روز ۷۵/۱/۳ یا نقطه A تعریف شده که این وضعیت در نقطه B یعنی ۷۵/۱/۵ با بهبود عارضه اخیرالذکر خاتمه یافته است. فلذا وجود فاصله نقاط A تا B تأثیری در استمرار وضعیت D - M (که همان عوارض ناشی از ضربه مغزی می‌باشد) نداشته است. بنابراین ترخیص اختیاری مرحوم در نقطه B، ارتباطی با وضعیت وی در نقطه M ندارد.

۴- تفسیر عکس‌های رادیوگرافی:

این دادگاه به سوابق پزشکی پرونده اکتفا نموده و ضمن اخذ پرونده‌های بالینی و ده عدد تصاویر رادیوگرافی مربوط به مرحوم «ق - ش» که بلافاصله پس از ورود ضربه، از سر و جمجمه مشارالیه در سال ۱۳۷۴ تهیه گردیده، با ارسال تصاویر و سوابق بالینی، استعلام جامعی از پزشکی قانونی در خصوص تفسیر تصاویر رادیوگرافی و اینکه آیا توجه‌ها به یافته‌های علم پزشکی ممکن است فوت بیمار به دلیل ضربه یا خونریزی مغزی پس از ۲۷ روز رخ دهد؟ به شرح صفحه ۲۰۱۰ به عمل آورده است که پزشکی قانونی طی نظریه شماره ۱۲۸۲ - ۸۹ ف مورخ ۸۹/۸/۲۲ (صفحه ۲۰۹۱) پس از ارجاع موضوع به متخصص جراح مغز و اعصاب - که به شرح صفحه ۲۰۹۰ نوشته است: در سی‌تی اسکن مغزی شکستگی پاریتال (آهیانه) راست و فرونتال (پیشانی) چپ همراه با SAH (خونریزی زیر پرده عنكبوتی مغز) و کنتوزیون‌های فرونتال (له‌شدگی بافت نرم مغز)

اولیه شروع به جذب نموده و به دنبال آن خونریزی‌های جدید تا لحظه مرگ ادامه داشت. کمیسیون سه نفره پزشکی قانونی هم در پی اعتراض آقای «م - گ» به نظریه پیش‌گفته، طی نظریه مورخ ۷۵/۹/۲۲ (صفحه ۱۸۸) بر دیدگاه خود اصرار و کماکان علت تامه فوت را خونریزی مغزی تعیین نموده است. پس از اعاده پرونده از دیوان عالی کشور با هدف تحقیق در خصوص میزان تأثیر مرخص نمودن مرحوم «ق» از بیمارستان در فوت وی، دادگاه موضوع را از کمیسیون پزشکی قانونی استعلام که کمیسیون مزبور طی نامه شماره ... مورخ ۸۳/۱۲/۳ (صفحه ۱۳۱۹) اینگونه اظهار نظر کرده: «... با توجه به سوابق پزشکی موجود، علت مرگ عوارض متعاقب خونریزی مغزی و شکستگی جمجمه به دنبال ضربه وارده به جمجمه بوده است... با توجه به اینکه زمان مرگ متعاقب ضربات وارده به سر و عوارض عروقی ایجاد شده متعاقب آن همیشه قابل پیش‌بینی نمی‌باشد، نمی‌توان دقیقاً در این ارتباط که آیا ترخیص منجر به مرگ شده یا خیر؟ اظهار نظر نمود ولی اصولاً در این صدمات اقدام درمانی از خطرات متعاقب ضربه مغزی و عوارض عروقی پیشگیری می‌کند...» و سپس طی نظریه مورخ ۸۴/۲/۲۵ (صفحه ۱۳۵۷) بیست درصد از مسئولیت مرگ را به مساله ترخیص از بیمارستان مربوط دانسته است. در ادامه دادگاه مجدداً استعلام نموده که آیا ترخیص جزء علت تامه فوت است؟ یا تسریع در فوت؟ که کمیسیون پزشکی قانونی طی نامه مورخ ۸۴/۸/۲۵ به شرح صفحه ۱۴۱۷ نوشته است: «همان‌طوری که قبلاً اعلام گردیده بود، علت فوت ضربه و خونریزی مغزی است و ترخیص زودهنگام با از بین بردن امکان درمان عوارض، در تسریع عوارض ضربه مغزی مؤثر بوده است...» بدین ترتیب و با عنایت به آخرین نظریه واصله از کمیسیون پزشکی قانونی به شرح صفحه ۱۴۱۷ و اینکه زمان مرگ متعاقب ضربات وارده به سر همیشه قابل پیش‌بینی نمی‌باشد و نظر به اینکه مرحوم «ق - ش» در تاریخ ۷۴/۱۲/۲۲ با نظر پزشک معالج که علی‌القاعده تمام اهتمام خود را برای بهبودی مرحوم به کار بسته، مرخص گردیده اما عملیات درمانی از عوارض و آسیب‌های ناشی از خونریزی مغزی جلوگیری نکرده و مشارالیه فوت نموده است، علت تامه فوت همان ضربه و خونریزی مغزی می‌باشد.

۳- رفع یک شبهه: ترخیص مرحوم «ق - ش» در تاریخ ۷۵/۱/۵ رضایت شخصی برادرانش، مربوط به تورم پای راست بوده و نه ضربه مغزی: به حکایت پرونده‌های بالینی (صفحات ۲۰۱۶ تا ۲۰۷۴)، مقتول از تاریخ ۷۴/۱۲/۱۱ تا ۷۴/۱۲/۲۲ برای درمان خونریزی مغزی در بیمارستان ... تهران بستری بوده و در تاریخ ۷۴/۱۲/۲۲ با نظر